



روش شناسی آیت الله بروجردی در کشف سندهای مرسل با تاکید بر کتاب الموسوعة الرجالية

پدیدآورده (ها) : بخشی جویباری، محمد صادق؛ طباطبایی، سید محمد کاظم
علوم قرآن و حدیث :: حدیث حوزه :: پاییز و زمستان 1395 - شماره 13 (علمی-ترویجی)
از 5 تا 24

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1190591>

دانلود شده توسط : موسسه دارالحدیث
تاریخ دانلود : 13/02/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

روش‌شناسی آیت‌الله بروجردی در کشف‌سندهای مرسل با تأکید بر کتاب «الموسوعة الرجالية»

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۱۸ - تاریخ تأیید: ۹۵/۱۲/۵

محمدصادق بخشی‌جویباری*

سیدمحمد کاظم طباطبایی**

چکیده

آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله علیه یکی از نوآوران معاصر در عرصه حدیث‌پژوهی است که دیدگاه‌های ویژه‌ای در سندشناسی دارد. او در کتاب «الموسوعة الرجالية» ضمن مرتب‌سازی و تنظیم سند روایات کتب اربعه، به شناسایی آسیب‌های سند مانند تصحیف و ارسال پرداخته است. این نوشتار می‌کوشد با تکیه بر کتاب نام‌برده، شیوه‌های شناخت ارسال و چرایی آن را کشف کند و به تحلیل و بررسی اندیشه رجالی آیت‌الله بروجردی بپردازد. برای رسیدن به این هدف، روش‌هایی مانند طبقه‌شناسی و مقایسه اسناد همگون، با ارائه نمونه‌هایی از این کتاب بررسی و در بخش دوم به چرایی ارسال اسناد از دیدگاه مؤلف پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: بروجردی، الموسوعة الرجالية، ارسال سند، طبقات، سندشناسی، کتب اربعه.

* پژوهش‌گر پژوهشگاه قرآن و حدیث قم، نویسنده مسئول (bakhshi.sadeg@gmail.com).

** استادیار دانشگاه قرآن و حدیث قم (Tabakazem@gmail.com).



هرگونه ارسال در سند، موجب کاستی در اعتبار و پذیرش روایت خواهد شد. یکی از گزینه‌های مهم در اعتبارسنجی روایات، اتصال و سلامت زنجیره سند است که ارزیابی این پیوستگی از کارکردهای دانش رجال به شمار می‌آید. هم‌زمان با تدوین جوامع حدیثی در قالب مجموعه‌های بزرگ و کوچک، آسیب‌هایی مانند ارسال و افتادگی واسطه بین زنجیره روایان سند، وارد احادیث شد. کشف ارسال راه‌یافته در سند روایات، مرحله‌ای مهم در سندشناسی است. گزینه‌هایی مانند: شناخت طبقه روایان، شناسایی استادان و شاگردان، تاریخ ولادت و وفات راوی، قلب نام دو راوی و مقایسه اسناد مشابه در منابع حدیثی، ناپیوستگی و افتادگی احتمالی راه‌یافته به اسناد روایات را آشکار می‌کند. شناسایی ارسال اسناد، چرایی و راه‌های برون‌رفت آن، همواره از دغدغه‌های پژوهش‌گران این عرصه بوده است. آیت‌الله بروجردی^۱ یکی از عالمان رجالی معاصر است که با ابداع و روش جدید با مرتب‌سازی، تصحیح اسناد و شناخت روایان به بازسازی سند روایت پرداخته و از این رهگذر آسیب‌های وارده بر سند را مورد شناسایی قرار داده است. در این نوشتار، رویکرد رجالی آیت‌الله بروجردی درباره کشف ارسال و چرایی آن در سند روایات با محوریت الموسوعة الرجالية^۲ بررسی و تحلیل می‌شود. البته در این پژوهش، روش ایشان در دو کتاب ترتیب اسانید الکافی و ترتیب اسانید تهذیب الأحکام مورد پژوهش قرار گرفته است و بقیه بخش‌های الموسوعة الرجالية نیز همانند این دو بخش است.

۱. «محمد حسین طباطبایی بروجردی»، فقیه، اصولی، محدث و از برجسته‌ترین فقیهان شیعی معاصربه شمار می‌آید. او در ماه صفر سال ۱۲۹۲ قمری در شهر بروجرد دیده به جهان گشود (الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۱۳؛ المنهج الرجالی، ص ۱۶؛ آثار الحجة، ج ۲، ص ۱۰؛ زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت‌الله بروجردی، ص ۷۴). ایشان پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در زادگاه خویش در سال ۱۳۱۰ قمری در سن هجده سالگی جهت ادامه تحصیل به اصفهان رفت که در آن روز مرکز علوم حوزوی بود. پس از آن جهت ادامه تحصیل و تکمیل دروس فقه و اصول در سال ۱۳۲۰ قمری عازم شهر مقدس نجف اشرف شد و در سال ۱۳۲۸ قمری به شهر بروجرد بازگشت و ۳۶ سال در این شهر توقف کرد (همان) و به تأسیس مراکز عام‌المنفعه، تدریس و تألیف مشغول شد. در چهاردهم محرم الحرام سال ۱۳۶۴ قمری. مطابق با نهم دی ماه ۱۳۲۳ شمسی. در ۷۲ سالگی به دعوت علما و مدرسان حوزه علمیه قم به این شهر سفر کرد. سرانجام در سال ۱۳۴۱ شمسی در این شهر، دارفانی را وداع گفت و به لقای حق پیوست (رک: دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۲۵۳).

۲. کتاب الموسوعة الرجالية به دو شکل سامان یافت؛ شکل نخست، بررسی اسناد روایات و مرتب‌سازی اسناد همگون است. ترتیب اسانید کتاب‌های الکافی، تهذیب الأحکام، من لایحضره الفقیه و پنج کتاب شیخ صدوق، الخصال، معانی الاخبار، علل الشرائع، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال و الامالی. در سه جلد نخست تنظیم شده است. شکل دوم، بررسی اسناد روایات با بهره‌گیری از طبقات روایان اسانید کتب مذکور و روایان کتاب رجال الکفشی، فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی، در چهار جلد با نام «رجال اسانید» یا «طبقات رجال» طبقه‌گذاری شده‌اند. ایشان با استفاده از جدول بندی و مرتب‌سازی اسناد روایات به ترتیب حروف الفبایی، به استخراج مشایخ هریک از صاحبان کتب اربعه تا امام علیه السلام در فصلی خاص پرداخته‌اند.

پیشینه پژوهش

تبع در نگاهته‌های رجالیان نشان می‌دهد که قدما پژوهش مستقلی درباره ارسال سند نداشته‌اند، ولی در برخی آثار و دست‌نوشته‌های رجالیان متأخر و بیشتر در میان آثار معاصران، پژوهش‌هایی در شناسایی آسیب‌های راه‌یافته در سند کتب اربعه، از جمله ارسال و حذف راویان سند سامان یافته است. در میان اندیشمندان متأخر و معاصر می‌توان به محقق اردبیلی در جامع‌الرواة^۱، آیت‌الله خویی در معجم رجال‌الحديث^۲، آیت‌الله شبیری زنجانی در تعلیقاتی که بر اسانید روایات کتب اربعه نگاهته‌اند^۳ و جناب استاد آقای بهبودی در *علل‌الحديث*^۴ اشاره کرد، که به اجمال به شناسایی ارسال در اسانید روایات کتب اربعه پرداخته‌اند؛ نیز در سال‌های اخیر، محقق ارجمند استاد سیدجواد شبیری زنجانی پژوهش مستقلی درباره توضیح و تبیین اسناد مشکل کتب اربعه انجام داده‌اند که تا حدودی به حل اختلافات و آسیب‌های اسانید روایات کتب اربعه پرداخته است.^۵ هم‌چنین پژوهش‌هایی در موضوع سندشناسی با شیوه کاربردی، به بررسی اسناد روایات با نمونه‌های متعدد پرداخته‌اند.^۶ در این میان، آیت‌الله خویی در لابه‌لای مبحث «اختلاف‌الکتب» معجم رجال‌الحديث و آیت‌الله شبیری زنجانی در تعلیقاتشان بر اسانید روایات کتب اربعه، تا حدودی به دلیل یا چرایی آن اشاره کرده‌اند. ناگفته پیداست که این قبیل نگاهته‌ها، پیش‌درآمدی برای محققان و پژوهش‌گران بعد از ایشان است. هم‌چنین در عرضه شناخت فعالیت‌های آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله‌علیه بهترین اثر در این عرصه، کتاب *المنهج‌الرجالی* نوشته جناب آقای محمدرضا جلالی حسینی و کتاب *مکتب‌اجتهادی آیت‌الله بروجردی* نوشته سرکار خانم زهرا اخوان صراف است که به بیان کلی اندیشه‌های معظم‌له اشاره دارند.

۱. محقق اردبیلی در جامع‌الرواة به ترتیب اسامی راویان کتب اربعه، با شیوه‌ای خاص به آسیب‌های سند روایات، از جمله ارسال، تصحیف، قلب و... اشاره کرده است.

۲. آیت‌الله خویی رحمته‌الله‌علیه در معجم رجال‌الحديث که به بررسی رجالی راویان اسانید روایات کتب اربعه پرداخته، در بخش «طبقته فی‌الحديث و اختلاف‌الکتب» اجمالاً به افتادگی و سقط واسطه و اختلاف در نقل‌ها پرداخته است.

۳. آیت‌الله شبیری زنجانی در تعلیقه‌ای که بر اسانید روایات کتب اربعه مرقوم داشته‌اند، به حذف واسطه‌ها و تا حدی به دلیل یا دلایل افتادگی‌های آن اشاره کرده‌اند (حاشیه بر اسانید روایات کتب اربعه مخطوط). کپی این تعلیقات در اختیار محققان و پژوهش‌گران دار‌الحديث قرار دارد.

۴. حدیث پژوه معاصر، جناب محمدباقر بهبودی در *علل‌الحديث*، به برخی آسیب‌های سند روایات با ذکر نمونه و تطبیق آن با روایات همسان در دیگر کتب اشاره کرده است، بی‌آن‌که به تحلیل آن بپردازد و یا دلیل آن را ذکر کند.

۵. رجال‌پژوه ارجمند، استاد سیدجواد شبیری زنجانی نگاهته‌های ارزش‌مندی در این باره تدوین کرده‌اند؛ از جمله مجموعه و جلدی «توضیح‌الأسناد‌المشکله فی‌الکتب‌الأربعه».

۶. کتاب *سندشناسی رجال کاربردی با شیوه بررسی اسناد روایات*، اثر پژوهش‌گرو مدرس دانشگاه قرآن و حدیث، حجت‌الاسلام دکتر مهدی غلامعلی است که مؤسسه علمی فرهنگی دار‌الحديث آن را منتشر کرده است.



تحقیق پیش‌رو، در دو بخش به شناسایی روش‌های آیت‌الله بروجردی در کشف ارسال سند و بیان علت‌های این ارسال پرداخته است.

بخش اول: شیوه‌های شناسایی ارسال در سند

«ارسال» در لغت، مصدر باب افعال، از ریشه «رسل» به معنای آزاد کردن است.^۱ در نگاه درایه‌نگاران، ارسال در دو معنای خاص و عام به کار رفته است.^۲ مراد از مرسل به معنای خاص، حدیثی است که تابعی، آن را بدون واسطه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسناد دهد.^۳ مراد از مرسل به معنای عام، حدیثی است که از سند آن، همه یا برخی راویان آن، یک یا بیشتر حذف شده باشد.^۴ بنابراین، هرگونه حذفی در سلسله سند، خواه عمدی یا سهوی، موجب ارسال در سند می‌شود که به دو صورت «جلی» و «خفی»^۵ قابل تقسیم است. راه‌های گوناگونی برای شناخت افتادگی راویان زنجیره سند وجود دارد. برای شناخت حذف یک یا چند راوی در سند و برون رفت از این مشکل، معیارهایی وجود دارد. تتبع در الموسوعة الرجالية نشان می‌دهد، آیت‌الله بروجردی در شناخت ارسال اسانید روایات کتب اربعه، بیشتر از دو شیوه «همسانی یا ناهمسانی طبقه راوی و مروی عنه» و دیگری «بررسی اسناد مشابه راوی در دیگر اسانید روایات» بهره برده است.

الف) طبقه‌شناسی راویان

یکی از مهم‌ترین معیارهای شناسایی ارسال در سند روایات، شناخت طبقه راویان حدیث است. «طبقه» به گروهی از راویان گفته می‌شود که تقریباً در یک مقطع زمانی زندگی کرده و از نظر سن به یکدیگر نزدیک هستند و احیاناً از محضر استادان یکسانی بهره برده‌اند.^۶ آیت‌الله بروجردی در جمع‌آوری و مرتب‌سازی اسانید روایات، از روش تفکیک و جداسازی اسناد از متون حدیث و کنار هم قرار دادن اسناد مشابه و نیز مرتب‌سازی بر اساس طبقه‌بندی راویان استفاده کرده است.

۱. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۸۵؛ القاموس المحيط، ج ۳، ص ۳۸۴؛ مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۸۳.

۲. الدراریه، ص ۴۷؛ مقیاس الهدایه، ج ۱، ص ۳۳۸.

۳. «ما سقط منه الصحابی»؛ علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۱۶۶. مرسل به معنای خاص بیشتر در میان اهل سنت به کار رفته است.

۴. الرعاية فی علم الدراریه، ص ۱۳۶.

۵. گاه ارسال در سند جلی و آشکار است؛ در این‌گونه از ارسال، ملاقات بین راوی و مروی عنه محال و غیرممکن است، زیرا راوی، دوران زندگی مروی عنه را درک نکرده و با او دیدار شفاهی نداشته است؛ مقیاس الهدایه، ج ۱، ص ۳۶۶؛ الفوائد الرجالية، ص ۲۰۴، ۲۰۵؛ علل الحدیث، ص ۱۳۸. نوع دوم از ارسال، ارسال خفی و پنهان است. ارسال خفی به حدیثی گفته می‌شود که شاگرد از کسی که معاصر اوست، ولی ملاقاتی با او نداشته و یا ملاقاتی داشته، ولی حدیثی نشنیده و یا خبری که گزارش می‌کند از او نشنیده، با الفاظی ادا کند که از آن برداشت نقل سماع شود؛ تدریب الراوی، ص ۱۸۳؛ سبیل السلام، ج ۴، ص ۲۲۹؛ النکت علی کتاب ابن الصلاح، ص ۲۴۸.

۶. «جماعة اشتركوا فی السنن و لقاء»؛ الرعاية، ص ۱۷۴؛ مقیاس الهدایه، ج ۳، ص ۴۸.



ایشان ضمن طبقه بندی و مرتب سازی اسناد، راویان و محدثان شیعه را به «صغار» و «کبار» تقسیم کرده و میانگین عمر هر طبقه را سی سال می داند.^۱ هم چنین راویان احادیث از اصحاب پیامبر ﷺ تا زمان شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ق). نویسنده آخرین کتاب از کتب اربعه. را به دوازده طبقه^۲ و تا زمان خود را به ۳۶ طبقه تقسیم کرده است.^۳

ایشان در تصحیح و تعیین ارسال در سند روایات، از این روش ابداعی و ابتکاری بهره جسته و تعداد بسیاری از ارسال های راه یافته در اسناد را کشف کرده است. در ترتیب اسناد کتاب الکافی حدود ۵۵۰ مورد و در ترتیب اسناد تهنید الأحکام ۲۶۰ مورد ارسال با این روش شناسایی شده است. در ادامه، به نمونه های بهره گیری از این روش در کشف ارسال روایات اشاره می شود.

نمونه نخست: در سند الکافی چنین آمده:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ
قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع الْجُزْءُ وَاحِدٌ مِنْ عَشْرَةٍ وَ...^۴

آیت الله بروجردی با تبیین رابطه میان ابراهیم بن هاشم، حماد و أبان بن تغلب به کشف افتادگی در سند رسیده است، چراکه اگر مراد از حماد، ابن عثمان باشد روایت بدون واسطه ابراهیم بن هاشم از او مرسل خواهد بود و اگر حماد بن عیسی باشد، روایت مستقیم او از أبان بن تغلب مرسل است.^۵ دانسته های رجالی نشان از درستی داوری ایشان دارد و مشکل ارسال، هم از ناحیه راوی و هم از سوی مروی عنه متصور است، زیرا حماد بن عیسی در حدود سال های ۱۱۶ یا ۱۳۷ قمری^۶ به دنیا آمد و در سال ۲۰۸ یا ۲۰۹ قمری درگذشت.^۷ هم چنین حماد بن عثمان از اصحاب امام صادق ع و متوفای سال ۱۹۰ یا ۱۹۴ قمری است.^۸ از آن جا که أبان بن تغلب نیز متوفای سال ۱۴۱ قمری است، روایت مستقیم حماد از وی مشکل است. توجه به این نکته نیز ضروری است که روایت حماد از أبان بن تغلب، تنها در همین

۱. نهاية التقرير، ج ۱، ص ۲۳۷، به نقل از: المنهج الرجالی، ص ۹۷.

۲. الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۱۱۳:۱۱.

۳. رک: الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۱۱۳:۱۱؛ البدر الزاهر، ص ۲۷:۲۶؛ المنهج الرجالی، ص ۹۷؛ دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۲۵۳.

۴. الکافی، ج ۷، ص ۴۰، ح ۳.

۵. الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۲۰۱؛ اسناد کتاب الکافی، ج ۸، ص ۱۳۴.

۶. میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۶۸، ش ۲۱۶؛ خلاصة الاقوال، ص ۵۶، ش ۲؛ رجال النجاشی، ص ۱۴۳، ش ۳۷.

۷. رجال النجاشی، ص ۱۴۳، ش ۳۷؛ الفهرست، ص ۵۸، ش ۶۱؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۹۸؛ الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۲۲۸، ش ۱۶۱.

۸. رجال الطوسی، ص ۱۷۳، ش ۱۳۹.

۹. رجال النجاشی، ص ۱۴۳، ش ۳۷۱؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۶۸، ش ۲۱۶.



روایت وجود دارد و در دیگر اسانید کتب اربعه گزارش نشده است.

نمونه دوم: در سند یکی از روایات *الکافی* آمده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ
قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ أَبِي عَزْوَةَ عَنْ قَتَادَةَ عَنِ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ أَنَّ
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ تَزَوَّجَ امْرَأَةً ...^۱

آیت الله بروجردی براین باور است که روایت حسن بصری از رسول خدا ﷺ مرسل است^۲، زیرا وی ده سال پس از رحلت آن حضرت و در زمان خلیفه دوم به دنیا آمده و در سال ۱۱۰ فوت کرده است.^۳ با توجه به تاریخ ولادت و وفات حسن بصری و تعیین طبقه او، روایت مستقیم و بدون واسطه حسن بصری از پیامبر ﷺ مرسل خواهد بود.

نمونه سوم: در روایتی دیگر از کتاب *الکافی* چنین آمده:

أَحْمَدُ بْنُ مَهْرَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ عَنْ بَكَّارٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ
أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: هَكَذَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ ...^۴

آیت الله بروجردی با تعیین طبقه عبدالعظیم حسنی، گزارش وی از جابر با یک واسطه را، ناسازگار دانسته و به ارسال سند حکم کرده است.^۵ در برخی نگاشته‌ها، ولادت عبدالعظیم ۱۷۳ قمری یا ۲۰۰ قمری تعیین شده است.^۶ ظاهراً ایشان در سال ۲۵۰ قمری به ری مهاجرت کرده^۷ و در همان سال^۸ یا سال ۲۵۲ قمری^۹ فوت کرده است. آیت الله بروجردی او را از راویان طبقه هفتم دانسته و معتقد است، وفات ایشان در حدود سال ۲۴۵ قمری واقع شده است.^{۱۰} بدین ترتیب، عبدالعظیم از اصحاب امام جواد و هادی علیهما السلام شمرده شده^{۱۱} و امام رضا علیه السلام را درک نکرده^{۱۲} و در

۱. *الکافی*، ج ۵، ص ۴۲۱، ح ۳.

۲. *الموسوعة الرجالية*، ج ۱، ص ۲۳۳؛ *اسانید کتاب الکافی*، ج ۸، ص ۹۰.

۳. *المعارف لابن قتیبه*، ص ۴۴۱. از برخی گزارش‌ها استفاده می‌شود که وی در زمان آن حضرت به دنیا آمد؛ *الطبقات الكبرى*، ج ۹، ص ۱۷۸۱۷۷؛ *تذکره الاولیاء*، ج ۱، ص ۳۰.

۴. *الکافی*، ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۶۰.

۵. *الموسوعة الرجالية*، ج ۱، ص ۱۵۳؛ ج ۴، ص ۲۰۵؛ *اسانید کتاب الکافی*، ج ۸، ص ۲۰۶؛ *تجرید اسانید الکافی*، ص ۱۲۴، ش ۱.

۶. *امام زادگان معتبر*، ص ۱۳؛ *زندگی حضرت عبدالعظیم*، ص ۱۰۳؛ *مستدرکات علم الرجال*، ج ۴، ص ۴۵۱، ش ۷۳۲۷.

۷. *مستدرکات علم الرجال*، ج ۴، ص ۴۵۱، ش ۷۳۲۷.

۸. *جنة النعیم*، ص ۴۴۴.

۹. *الدريعه*، ذیل عنوان «خطب امیر المؤمنین».

۱۰. *الموسوعة الرجالية*، ج ۴، ص ۲۰۵.

۱۱. *نقد الرجال*، ج ۳، ص ۷۰، ش ۲۹۴۴؛ *مجمع الرجال*، ج ۴، ص ۹۷؛ *منهج المقال*، ص ۱۹۷؛ *منتهی المقال*، ج ۴، ص ۱۴۱، ش ۱۶۴۳؛ *جامع الرواة*، ج ۱، ص ۱۷۷.

۱۲. *معجم رجال الحديث*، ج ۱۰، ص ۴۷، ش ۶۵۸۰؛ *قاموس الرجال*، ج ۶، ص ۱۹۳، ش ۴۱۳۶؛ *الجامع فی الرجال*، ج ۲، ص ۴۹۲ و ۱۴۰ (المخطوط).



سال شهادت امام هادی علیه السلام یا پیش از آن از دنیا رفته است.^۱ فاصله زمانی بین سال وفات جابر (۱۲۸) و اوایل امامت امام جواد علیه السلام (۲۰۳) ۷۵ سال است؛ اگر واسطه بینشان را تنها «بگار» بدانیم، با افزودن بیست سال بر سنّ روایی او، حدوداً ۹۵ سال عمر کرده و از روایان معمر به شمار می‌آید، در حالی که معمر بودن بگار گزارش نشده است. هم‌چنین وی از اصحاب امام صادق علیه السلام^۲ بوده که در عصر امام کاظم علیه السلام زندگی کرده^۳ و اصلاً دوران امام رضا علیه السلام را درک نکرده است. بنابراین عبدالعظیم نمی‌تواند از جابر بن یزید، متوفای ۱۲۸ یا ۱۳۲ قمری^۴ که از اصحاب امام باقر و صادق علیه السلام^۵ به شمار می‌آید، با یک واسطه نقل روایت کند.

نمونه چهارم: در سند دیگر *الکافی* گزارش شده است:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ
جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ
الْحُسَيْنِ علیه السلام مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ وَ...^۶

آیت الله بروجردی با توجه به طبقه ابوحمزه ثمالی و ابن محبوب، روایت بی واسطه این دورا مرسل دانسته است، چراکه ابوحمزه ثمالی در سال ۱۵۰ قمری درگذشته و ابن محبوب در این سال در سنّ طفولیت بوده است.^۷ البته تمامیت این ادعا در صورتی ثابت می‌شود که ابن محبوب در سال ۲۲۴ قمری و در سنّ هفتادوپنج سالگی فوت کرده باشد^۸؛ در این صورت، ابن محبوب در همان سال وفات ابوحمزه

۱. از امام هادی علیه السلام روایتی در فضیلت زیارت او نقل شده است؛ بنابراین، وی پیش از شهادت این امام همام درگذشت.

۲. *رجال الطوسی*، ص ۱۶، ش ۹۲؛ ص ۱۵۸، ش ۴۹؛ *رجال البرقی*، ص ۴۰.

۳. زیرا ابن ابی عمیر از آن دوروایت، گزارش کرده است؛ *الکافی*، ج ۳، ص ۳۲۱، ح ۷؛ *التهدیب*، ج ۹، ص ۳۳۵، ح ۱۰. و نیز روایت محمد بن سنان از بگار بن کردم؛ *مشيخة الفقيه*، ج ۴، ص ۵۲۶.

۴. *رجال النجاشی*، ص ۱۲۸، ش ۳۳۲؛ *رجال الطوسی*، ص ۱۲۹، ش ۱۳۱۶.

۵. *رجال الطوسی*، ص ۱۲۹، ش ۱۳۱۶؛ ص ۱۷۶، ش ۲۰۹۲.

۶. *الکافی*، ج ۲، ص ۸۱، ح ۱.

۷. *الموسوعة الرجالية*، ج ۱، ص ۳۱۳؛ *سانید کتاب الکافی*، ج ۸، ص ۱۱۱.

۸. *اختیار معرفة الرجال*، ص ۶۲۳، ش ۱۰۹۴. کشتی در شرح حال ابن محبوب می‌نویسد: «و مات الحسن بن محبوب فی آخر سنة أربع و عشرين و مائتين و كان من أبناء خمس و سبعين سنة»؛ سال وفات وی ۲۲۴ قمری واقع شده است و ۷۵ سال داشته است (همان). از این رو، روایت ابن محبوب از ابوحمزه ثمالی مرسل است، زیرا ابن محبوب یک سال بعد از شهادت امام صادق علیه السلام به دنیا آمده و ابوحمزه ثمالی متوفای سال ۱۵۰ قمری است. کشتی، تعریضی به اصحاب امامی دارد که اصحاب ما روایت ابن محبوب از ابوحمزه [ثمالی] را صحیح نمی‌دانند (همان)؛ در حالی که اگر عمر ابن محبوب را ۷۵ سال بدانیم، بی تردید روایتش از ثمالی مرسل است؛ مگر این که قائل به وقوع تصحیف در نقل کشتی «کلمة «خمس و سبعين» (هفتادوپنج) به جای «خمس و تسعين» (نودوپنج) شویم. لذا با توجه به این که سال وفات او ۲۲۴ قمری بوده، تولد او در سال ۱۲۹ قمری واقع شده است، و وفات ابوحمزه ثمالی نیز در سال ۱۵۰ قمری واقع شده و ابن محبوب در این زمان جوانی بیست و چند ساله بوده که صلاحیت روایت از ابوحمزه ثمالی را داشته است. در این صورت، محدودتر بعد طبقه بین آن دو وجود ندارد، زیرا تشابه حروف در رسم الخط بین کلمه «تسعين» و «سبعين» سبب شده نسخه‌نویسان، «سبعين» را به جای «تسعين» به اشتباه ثبت کنند؛ *قاموس الرجال*، ج ۳، ص ۳۴۸، ش ۲۰۱۴. و با توسط نسخه‌نویسان صورت گرفته



به دنیا آمده است.^۱

با توجه به نمونه‌های ارائه شده و نمونه‌های متعدد موجود^۲ در کتاب الموسوعة الرجالية، یکی از روش‌های پرکاربرد آیت الله بروجردی در شناسایی گسست یک یا چند واسطه در اسناد روایات، استفاده از طبقه‌شناسی روایات موجود در سند است که پس از کشف انقطاع طبقات، حکم به ارسال در سند کرده‌اند.

ب) مقایسه اسناد مشابه

بررسی اسناد روایاتِ راویانی که در منابع حدیثی دیگر با ذکر نام راوی تکرار شده‌اند، یکی از شیوه‌هایی است که در شناسایی ارسال و حذف واسطه‌های سند کاربرد دارد. آیت الله بروجردی از این روش در کشف ارسال برخی سندها بهره برده است. در ادامه، این روش با ارائه نمونه در الموسوعة الرجالية پی گرفته می‌شود.

نمونه نخست: در سندی از الکافی چنین آمده:

عبدالله بن جعفر وسعد بن عبدالله جميعاً عن إبراهيم بن مهزيار
عن أخيه علي بن مهزيار عن الحسن بن محبوب عن هشام بن
سالم عن حبيب السجستاني قال سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول
وُلِدْتُ فَاطِمَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ...^۳

آیت الله بروجردی روایت مستقیم کلینی از سعد بن عبدالله در سند ارائه شده را مرسل دانسته و دلیل این افتادگی را کثرت روایات کلینی با واسطه محمد بن یحیی کلینی از ایشان بیان می‌کند.^۴ محقق اردبیلی در جامع الرواة روایت کلینی از عبدالله بن جعفر را نیز مرسل دانسته است.^۵ تتبع در اسانید روایات کتاب الکافی نشان می‌دهد بیشتر روایات کلینی از سعد با واسطه آمده است، اما احتمال دارد روایت مستقیم کلینی از آن دو در باب موالید و وفیات ائمه علیهم السلام از طریق وجاده و دسترسی به کتاب آن‌ها باشد.

است؛ روضة المتقين، ج ۱۴، ص ۴۴۵. بنابراین، وجود تصحیف و تحریف در رجال کشی سبب برداشت اشتباه رجالیان شده است. مانند اشتباه مذکور در شرح حال «معاویة بن عمار» و «حماد بن عیسی» بین نقل کشی و نجاشی نیز رخ داده است؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۳۷۴، ص ۵۵۷؛ ص ۳۸۲، ص ۵۷۲؛ الرسائل الرجالية، ج ۲، ص ۳۰۴. محقق کلباسی معتقد است: «عاش مائة وخمسة وسبعين سنة» تصحیف «مات مائة وخمسة وسبعين سنة» است، چه این‌که در رجال نجاشی نیز «مات» بدل از «عاش» ثبت شده است؛ رجال النجاشی، ص ۴۱۱، ش ۱۰۹۶؛ ص ۱۴۳، ش ۳۷۱.

۱. رجال النجاشی، ص ۱۱۵، ش ۲۹۶.

۲. رک: الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۳، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۷، ۱۸۹، ۱۹۲؛ ج ۲، ص ۱۱، ۱۷، ۴۰، ۴۵، و...

۳. الکافی، ج ۱، ص ۴۵۷، ح ۱۰.

۴. الموسوعة الرجالية، ج ۴، ص ۱۶۲ و ۲۱۱؛ ج ۱، ص ۱۹۳.

۵. جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۷۹.



نمونه دوم: در سندی دیگر از الکافی چنین آمده:

وَعَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ) عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَنِّي اجْتَنَبْتُ طَلَبَ الْوَلَدِ مُنْذُ خَمْسِ سِنِينَ وَ...^۱

آیت الله بروجردی در شناسایی و کشف ارسال در سند یادشده با توجه به اسناد همگون و سایر روایات که در آن بکر بن صالح از امام کاظم عليه السلام با واسطه سلیمان بن جعفر جعفری گزارش کرده، براین باور است که در سند افتادگی رخ داده است.^۲ تتبع در اسانید روایات الکافی نشان می دهد در سیزده مورد وی با یک واسطه از ابوالحسن یا امام کاظم عليه السلام^۳ و در برخی موارد نیز با دو واسطه^۴ از آن حضرت گزارش کرده است. هم چنین همانند این سند، سه بار در کتاب الکافی آمده^۵ که در تمامی آن ها بکر بن صالح، با واسطه از آن حضرت روایت کرده است.^۶ توجه به این نکته ضروری است که نجاشی، بکر را از اصحاب امام کاظم عليه السلام معرفی کرده^۷، اما شیخ طوسی یک بار او را در اصحاب امام رضا عليه السلام و بار دیگر جزو کسانی که از امامان عليه السلام نقل روایت نکرده اند، آورده است^۸؛ بنابراین، احتمال نقل مستقیم و یا مکاتبه از آن حضرت تضعیف می شود.

نمونه سوم: کلینی در سندی از الکافی چنین آورده:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَدَا فِرِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَصُومُ هَذِهِ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامَ وَ...^۹

آیت الله بروجردی در کشف ارسال و افتادگی یک راوی از سند یادشده، از شیوه ملاحظه در سایر اسانید روایات عمرو بن عثمان بهره برده است.^{۱۰} گزارش عمرو بن عثمان از «عدافر» در هشت سند کتاب الکافی وجود دارد^{۱۱} که تنها در این سند

۱. الکافی، ج ۶، ص ۳، ح ۷.

۲. الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۴۳۶؛ اسانید کتاب الکافی، ج ۸، ص ۷۶.

۳. رک: الکافی، ج ۲، ص ۶۲۳، ح ۲؛ ج ۵، ص ۴۹۹، ح ۲؛ ج ۶، ص ۱۹، ح ۸؛ ص ۲۴۵۴، ح ۹؛ ص ۳۲۶، ح ۵؛ ص ۳۳۸، ح ۱؛ ص ۳۵۵، ح ۲؛ ص ۵۳۵، ح ۳ و... .

۴. الکافی، ج ۴، ص ۱۸، ح ۲.

۵. رک: الکافی، ج ۲، ص ۵۶، ح ۳؛ ج ۴، ص ۱۸، ح ۲؛ ج ۵، ص ۴۹۹، ح ۲.

۶. این آمار بر اساس جست وجوی نرم افزار «درایة النور» استخراج شده است.

۷. رجال النجاشی، ص ۱۰۹، ش ۲۷۶.

۸. رک: رجال الطوسی، ص ۳۵۳، ش ۵۲۳۳؛ ص ۴۱۷، ش ۶۰۳۱.

۹. الکافی، ج ۴، ص ۱۳۰، ح ۲.

۱۰. الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۳۸۵؛ اسانید کتاب الکافی، ج ۸، ص ۲۷۵.

۱۱. رک: الکافی، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷؛ ص ۶۴۱، ح ۷؛ ج ۳، ص ۴۵۴، ح ۱۴؛ ج ۴، ص ۴۵۷، ح ۱؛ ج ۳، ص ۴۸۹، ح ۵؛ ص ۳۳، ح ۵؛ ص ۱۶۸، ح ۱.



به صورت مستقیم و بدون واسطه از عذافر بن عیسی الصیرفی روایت کرده است. هم‌چنین در کتب اربعه و کتاب وسائل الشیعه روایتی از عمرو بن عثمان از عذافر بن عیسی گزارش نشده است. در الموسوعة الرجالية مواردی دیگری نیز با استفاده از این روش بهره‌جسته است.^۱

بخش دوم: بیان چرایی ارسال در سند روایات

تتبع در تعلیقات آیت‌الله بروجردی در ترتیب اسانید الکافی و تهذیب الأحکام نشان می‌دهد، وی برخلاف رجالیان دیگر، مانند محقق اردبیلی در جامع الرواة آیت‌الله خویی در معجم رجال الحدیث، کمتر به توضیح و تبیین دلایل و چرایی گسست و افتادگی سند روایات اشاره کرده است و رویکرد ایشان در الموسوعة الرجالية بیشتر به شناسایی و بیان اجمالی آسیب‌های وارده بر سند اختصاص یافته و ذیل برخی سندها، به چرایی وجود ارسال در آن سند اشاره کرده است. با توجه به بررسی صورت‌گرفته، ایشان چهار دلیل عمده را برای ارسال و حذف راوی در سند روایات یادآور شده که در ادامه تبیین خواهد شد.

الف) اشتباه نسخه‌برداران

بخشی از افتادگی سند روایات، مربوط به خطای بعضی نسخه‌نویسان است. با کنار هم قرار دادن نسخه‌های مختلف و مقابله آن‌ها، اعم از نسخه‌های همان کتاب که آن حدیث را نقل کرده‌اند و یا تتبع در سایر اسانید روایات راوی، می‌توان به چرایی ارسال اسناد روایات پی برد. آیت‌الله بروجردی یکی از علت‌های ارسال در سند روایات را اشتباه نوشتاری نسخه‌نویسان و کاتبان دانسته است. در ادامه به برخی نمونه‌های این علت اشاره می‌شود.

نمونه نخست: در سند تهذیب الأحکام چنین آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ فَضْلِ الْبُقْبَاقِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُسَافِرِ يُنْزِلُ عَلَيَّ بَعْضَ أَهْلِهِ وَ...^۲

آیت‌الله بروجردی روایت احمد بن محمد (بن عیسی) از طبقه هفتم را از داود بن الحصین که در طبقه پنجم قرار دارد، مرسل دانسته و راوی محدوف را احمد بن محمد (بن ابی نصر بن زنی) می‌داند که توسط نساخ افتاده است. اصل سند چنین بوده است: «محمد بن احمد عن احمد بن محمد (بن عیسی) عن احمد بن محمد (بن ابی نصر) عن داود بن الحصین».^۳ برای تقویت ادعای ایشان باید افزود

۱. رک: الموسوعة الرجالية، ج ۶، ص ۳۶۵؛ ج ۵، ص ۱؛ ج ۱، ص ۱۸۳، ۴۱۳، ۲۶۰؛ ج ۲، ص ۱۳، ۲۶، ۳۹ و...
 ۲. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۳۳، ح ۱۱۷.
 ۳. الموسوعة الرجالية، ج ۲، ص ۲۸۵.



که چهارده نمونه دیگر در کتاب تهذیب الأحکام وجود دارد که ابن ابی نصر بزنتی از داود بن حصین گزارش کرده است.^۲ بنابراین با توجه به شباهت نام «ابن عیسی» و «بزنتی» و احتمال تکرار بودن یکی از آنها، نسخه نویسی در زمان کتابت، یکی از آنها را حذف کرده که سبب ارسال در سند شده است.

نمونه دوم: در سند یکی از روایات کتاب الکافی چنین آمده:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ وَأَبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ مَعْمَرِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ ...^۳

آیت الله بروجردی در تبیین ارسال در سند مذکور بر این باور است که روایت بزنتی و ابن ابی عمیر از معمر بن یحیی مشکوک به ارسال است و حذف راوی واسطه، از قلم نسخه نویسان رخ داده است.^۴ به قرینه سایر روایات که در آن ابن ابی عمیر و بزنتی با واسطه ابن اذینه یا ثعلبة بن میمون از معمر بن یحیی گزارش کرده اند، روایت ابن ابی نصر (م. ۲۲۱ق) و ابن ابی عمیر (م. ۱۱۷ق) که از اصحاب امام کاظم و رضا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ به شمار می آیند از معمر بن یحیی (بن سالم)، مرسل است. هم چنین نجاشی طریق خود به کتاب معمر بن یحیی را با واسطه ثعلبة بن میمون روایت کرده است.^۵ با توجه به این قرینه ها، اشتباه نسخه نویسان دلیل حذف راوی واسطه تا معمر بن یحیی در سند شده است.

نمونه سوم: در سندی دیگر از الکافی چنین آمده:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَقْلِيمُ الْأَطْفَارِ ...^۶

آیت الله بروجردی بر این گمان است که روایت حسن بن راشد از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مرسل است و حذف واسطه. عن ابی عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ. در روایت حسن بن راشد از

۱. رک: تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۱۶۴، ح ۱۶؛ ص ۲۲۶، ح ۸۳؛ ص ۲۳۳، ح ۱۱۷؛ ص ۳۲۵، ح ۴۱؛ ج ۴، ص ۲۸۸، ح ۵؛ ج ۵، ص ۷۵، ح ۵۵؛ ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۵؛ ص ۳۰۰، ح ۵۰؛ ج ۷، ص ۱۷۵، ح ۳۰؛ ص ۳۴۸، ح ۵۵؛ ص ۳۵۶، ح ۱۳؛ ص ۳۹۰، ح ۳۹؛ ج ۸، ص ۱۴۴، ح ۹۷؛ ج ۱۰، ص ۱۵۶، ح ۲.

۲. و نیز همسانی طبقات روایت این دو، نمایان گرافتادگی در سند مذکور است، زیرا «بزنتی» متوفای ۲۲۱ قمری و از اصحاب امام کاظم و رضا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ به شمار می آید (رجال الطوسی، ش ۲۵۷۲ و ۵۰۰۷). و «داود بن حصین» از اصحاب امام صادق و کاظم عَلَيْهِمَا السَّلَامُ شمرده شده است.

۳. الکافی، ج ۷، ص ۴۶۲، ح ۱۵.

۴. الموسوعة الرجالية، ج ۴، ص ۳۶۴؛ تجرید اسانید الکافی، ج ۱، ص ۲۷۱؛ اسانید کتاب الکافی، ج ۸، ص ۱۲۴.

۵. رک: الکافی، ج ۲، ص ۲۲۰، ح ۱۸؛ ج ۳، ص ۱۸۵، ح ۱؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۹۲، ح ۱؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۹۳، ح ۱۱۶.

۶. رجال النجاشی، ص ۴۲۵، ش ۱۱۴۱.

۷. الکافی، ج ۶، ص ۴۹۰.



پیامبر ﷺ، توسط نسخه نویسان رخ داده است.^۱ ناسازگاری طبقه حسن بن راشد (مولی بنی العباس) که جزو اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام است^۲ با طبقه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، گواه بر سقط و افتادگی در سند است. هم چنین در نقل شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه عبارت «عن ابي عبدالله عليه السلام» آمده^۳ و شیخ صدوق در ثواب الأعمال با سند خود از حسن بن راشد و او از ابوبصیر از امام صادق عليه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش کرده است.^۴ دلیل صحت سند شیخ صدوق این است که روایت مورد بحث در واقع، تقطیع از خبر طولانی معروف به «حدیث اربعمائه» است که سند آن در کتاب خصال صدوق چنین آمده: «عن القاسم بن یحیی عن جدّه الحسن بن راشد عن ابي بصير و محمد بن مسلم عن ابي عبدالله عليه السلام عن ابيه عن جدّه عن ابيه عن امير المؤمنين عليه السلام و...»^۵ افزون بر این، جست وجود سایر روایات حسن بن راشد از امام صادق عليه السلام نشان می دهد که روایات وی از آن حضرت، به دو صورت با واسطه و بی واسطه گزارش شده است.

نمونه چهارم: در سند یکی از روایات الکافی چنین آمده:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ اِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ
عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أُجْرِيَ الْخَيْلَ وَ...^۶

آیت الله بروجردی در راستای تبیین ناسازگاری روایت محمد بن یحیی از غیاث بن ابراهیم معتقد است، نام احمد بن محمد در سند مذکور توسط نسخه نویسان افتاده است.^۷ در این سند دو احتمال قابل تصور است؛ نخست آن که، در سند روایت افتادگی رخ داده و آن هم نام احمد بن محمد بن عیسی اشعری است که شاگرد محمد بن یحیی الخزاز است؛ به قرینه سایر اسانید روایات که در آن محمد بن یحیی عطار با واسطه احمد اشعری از محمد بن یحیی خزاز و او از غیاث و یا طلحه بن زید. که در طبقه غیاث بن ابراهیم قرار دارد. روایت کرده است. احتمال دیگر آن که، سند را معلق به حدیث پنجم همین باب بدانیم که روشن می شود مراد از محمد بن یحیی، خزاز است نه عطار.^۸

آیت الله بروجردی در موارد بسیاری، ضمن مرتب سازی سند و تبیین رابطه میان

۱. الموسوعة الرجالية، ج ۱ ص ۳۶۹؛ اسانید کتاب الکافی، ج ۸، ص ۹۴.

۲. رجال الطوسی، ش ۲۱۷۲، ص ۴۹۷۳.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲ ص ۱۳۲ ح ۱۷۱۱.

۴. ثواب الأعمال، ص ۲۳.

۵. الخصال، ص ۶۱۰، ح ۱۰.

۶. الکافی، ج ۵، ص ۴۹، ح ۷.

۷. رک: الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۳۸۴؛ اسانید کتاب الکافی، ج ۸، ص ۳۸۱.

۸. رک: الکافی، ج ۹، ص ۴۶۶، ح ۸۲۸۹، پانویشت (محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن یحیی، عن طلحه بن زید).

راوی و مروی عنه، به شناسایی سقط پرداخته و به ارسال واسطه از زنجیره سند توسط نسخه پردازان اشاره کرده است.^۱

ب) قلب در اسامی راویان

یکی از آسیب‌های وارده برسند، قلب و جابه‌جایی در نام راویان است. قلب سندی در موارد متعددی قابل تصور است؛ مانند: جابه‌جایی نام راوی و مروی عنه، جابه‌جایی در اجزای نام یک راوی سند با راوی دیگری از همان سند، و جابه‌جایی نام راوی به جای نام پدرش. آیت‌الله بروجردی در برخی اسانید روایات با توجه به این نکات، به کشف ارسال و تصحیح اسناد پرداخته است. در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود.

نمونه نخست: در یکی از اسناد الکافی چنین آمده:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ
أَبَانَ بْنِ تَغَلِبٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ
لُحُومِ الْخَيْلِ وَ...^۲

آیت‌الله بروجردی بر این باور است که به خاطر قلب در سند، روایت علی بن الحکم از ابان بن تغلب مرسل است و سند صحیح آن «علی بن الحکم عمن أخبره عن ابان بن تغلب» است، زیرا علی بن حکم از ابان بن عثمان گزارش کرده است، هرچند روایت وی از «ابان» گاهی به نحو اطلاق و بدون اضافه به نام پدر (عثمان) و لقب (الاحمر) آمده است؛ از این رو، برخی در تطبیق آن بر «ابن عثمان» یا «ابن تغلب» خلط کرده‌اند.^۳

در تأیید سخن ایشان باید افزود که سند مذکور در الکافی، الوافی و وسائل الشیعه گزارش شده است.^۴ با توجه به قرینه‌هایی مانند روایت احمد بن محمد برقی (۱۹۵-۲۷۴ق) از علی بن حکم. که از اصحاب امام جواد عَلَيْهِ السَّلَامُ شمرده شده. استفاده می‌شود که علی بن حکم تا سال ۲۱۵ قمری زنده بوده است؛ از این رو، روایت او از ابان بن تغلب، متوفای ۱۴۱ قمری، مرسل است. اگر قلب در نام راوی پذیرفته شود و منظور از ابان همان ابن عثمان باشد، مشکلی در روایت علی بن حکم از او نیست و این ترکیب در سند بسیاری از روایات آمده است.^۵

۱. رک: الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۳۸۱، ۳۶۹، ۴۳۱، ۳۶۴، ...؛ ج ۲، ص ۱۱۴، ۲۰۴، ۱۳۰، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۸۵، ۳۱۲ و ...

۲. الکافی، ج ۶، ص ۲۴۶، ح ۱۲.

۳. الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۳۲۷.

۴. معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۱۴۰، ش ۲۸.

۵. همان، ج ۱۱، ص ۵۸۸۵۸۵.



نمونه دوم: در سند دیگر از الکافی چنین گزارش شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النَّعْمَانِ
عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام
قَالَ: قُلْتُ لَهُ فِي كَمْ أَقْرَأَ الْقُرْآنَ وَ...^۱

آیت الله بروجردی به ارسال در سند مذکور معتقد است و علت آن را، قلب نام
راویان می‌داند. در این نمونه، قلب و جابه‌جایی مکانی بین نام دوراوی رخ داده
و سند صحیح «الحسین بن خالد عن یعقوب بن شعیب عن ابی عبدالله عليه السلام»
است.^۲ تتبع در سند روایات کتب اربعه نشان می‌دهد که بیشتر روایات یعقوب بن
شعیب از امام صادق عليه السلام بی‌واسطه و بیشتر روایات حسین بن خالد از آن حضرت
با واسطه یعقوب بن شعیب گزارش شده که این امر قرینه‌ای بر جابه‌جایی نام این
دوراوی در سند یادشده است.

نمونه سوم: در سندی از روایات الکافی آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ
أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَمَّا
يُخْرَجُ مِنَ الْبَحْرِ وَ...^۳

آیت الله بروجردی معتقد است، در سند ارائه‌شده نیز قلب رخ داده و روایت
محمد بن علی از امام کاظم عليه السلام مرسل است و صحیح آن «محمد بن علی،
عن ابن ابی نصر عن ابی الحسن عليه السلام» است.^۴ در تأیید آن باید افزود که به لحاظ
طبقه‌شناسی نیز مشکلی در روایت محمد بن علی کوفی از بزنتی وجود ندارد.
ایشان بر این باورند که محمد بن حسین در سند نیز مصحف محمد بن حسن
صفار است و روایتی از صفار (م. ۲۹۰ ق) از بزنتی (م. ۲۲۱ ق) گزارش نشده است.
هرچند گمان‌های دیگر نیز در سند متصور است که در این مقال نمی‌گنجد.^۵

نمونه چهارم: در سند الکافی چنین گزارش شده است:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي ثَابِتٍ
عَنْ حَنَانِ بْنِ أَبِي يَاقُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَاتَ مَوْلَى لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ...^۶

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۷، ح ۳.

۲. الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۳۹۵؛ اسانید کتاب الکافی، ج ۸، ص ۴۲۰.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۵۴۷، ح ۲۱.

۴. الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۳۹۱؛ اسانید کتاب الکافی، ج ۵، ص ۴۰۶.

۵. چنان‌که آیت الله بروجردی ذیل خبر مذکور یادآور شده، «محمد بن الحسین» در سند مذکور، تصحیف شده
محمد بن الحسن - صفار است، زیرا محمد بن یحیی از صفار روایت کرده است و نیز محذوری در روایت صفار
از محمد بن علی کوفی وجود ندارد؛ برخلاف روایت صفار از بزنتی که مرسل است.

۶. الکافی، ج ۷، ص ۱۳۶، ح ۹.



آیت الله بروجردی با نگاه طبقه‌نگاری، به آسیب قلب در سند مذکور پی برده و سند صحیح «اسحاق بن عمار عن ابن‌ابی‌یعفور» است. ایشان علت این ارسال را قلب و جابه‌جا شدن ترتیب و طبقه‌ اسحاق بن عمار و ابن‌ابی‌یعفور دانسته است.^۱ عبدالله بن‌ابی‌یعفور در زمان امام صادق علیه‌السلام و در سال ۱۳۱ قمری، که به سال طاعون^۲ و طاعون سلمة^۳ معروف است، در بصره فوت کرد.^۴ اسحاق بن عمار، صحابه‌ امام صادق و امام کاظم علیه‌السلام است^۵ که در زمان حیات امام کاظم علیه‌السلام درگذشت.^۶ با توجه به این تاریخ‌ها، اسحاق بن عمار (از صغار طبقه پنجم) از ابن‌ابی‌یعفور (از کبار طبقه چهارم یا پنجم) روایت کرده و با توجه به قلبی که در سند رخ داده، مقدم شده است. گفتنی است، آیت‌الله بروجردی از این شیوه در کشف ارسال و تصحیح اسناد روایات متعددی^۷ بهره برده است.

ج) تصحیف در نام راوی

گاه تصحیف و تغییر در نام برخی راویان، موجب ارسال در سند می‌گردد. این امر می‌تواند موجب گسست در اتصال حلقه سند شود. آیت‌الله بروجردی در برخی موارد، تصحیف را موهم ارسال و افتادگی در سند دانسته که در ادامه به نمونه‌هایی از کتاب الموسوعة الرجالية اشاره می‌شود.

نمونه نخست: در سند الکافی آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ (البرمکی) عَنِ
 الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ
 الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام
 عِلْمُ اللَّهِ وَمَشِيئَتُهُ وَ...^۸

آیت‌الله بروجردی هنگام بررسی این سند، گزارش نسخه‌الکافی در این سند را مرسل دانسته است، زیرا «حسن بن جهم» نمی‌تواند مستقیم از جدش «بکیر» روایتی گزارش کند و روایتی از بکیر بن‌اعین نقل نشده است؛ از این رو، احتمال دارد «عن بکیر» در سند مذکور تصحیف شده «بن بکیر» باشد؛ در این صورت، روایت

۱. رک: الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۲۵۴؛ اسانید کتاب الکافی، ج ۸، ص ۲۸۸، ۲۸۹.
۲. اختیار معرفة الرجال، ش ۴۵۴.
۳. قاموس الرجال، ج ۶، ص ۲۴۳، ش ۴۱۸۹.
۴. جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۱۱.
۵. رجال النجاشی، ص ۷۱، ش ۱۶۹؛ رجال البقی، ص ۴۷.
۶. اختیار معرفة الرجال، ش ۷۶۸.
۷. الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۲۷۳، ۲۷۴، ۳۲۳، ۳۴۳، ۳۹۵ و... .
۸. الکافی، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۱.



حسن بن جهم بن بکیر از ابی عبدالله علیه السلام مرسل است.^۱ بدین سان، سند در هر دو صورت مرسل است. جست وجود در روایات کتب اربعه نشان می دهد، از حسن بن جهم ۷۸ حدیث گزارش شده؛ از این تعداد، ۲۵ روایت او از امام صادق علیه السلام است که تمامی آن ها با واسطه نقل شده است.^۲ در دو مورد، روایتش از عبدالله بن بکیر است و او نیز توسط مشایخ خود از آن حضرت روایت کرده است.^۳

نمونه دوم: در سند *الکافی* چنین آمده است:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سُلَيْمَانَ الْبَجَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْحَسَنِ
بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنِ مِيثَمِ التَّمَارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ
الْمَدَائِنِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ قَالَ: أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَهْطٌ مِنَ الشَّيْعَةِ وَ...^۴

ایشان درباره این سند، عبارت «شعیب عن میثم التمار» را تصحیف و صحیح آن را «شعیب بن میثم التمار» می داند، زیرا میثم تمار در سال ۶۰ قمری به شهادت رسید و از راویان طبقه دوم شمرده شده^۵ و ابومخنف از طبقه پنجم به شمار می آید و روایت میثم با دو واسطه از او ممکن نیست. هم چنین با توجه به طبقه ابومخنف، روایت او از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز مرسل است.^۶ بدین سان تصحیف در سند *الکافی* سبب ارسال شده است.

نمونه سوم: در سندی دیگر از کتاب *الکافی* چنین آمده است:

سَعْدٌ وَأَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَّارَ عَنْ أُخْيَيْهِ
عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ
عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُبِضَ
الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام يَوْمَ عَاشُورَاءَ وَ...^۷

آیت الله بروجردی این سند و سند مشابه آن^۸ از کتاب *الکافی* را که سعد و احمد بن محمد با «او» بر یکدیگر عطف شده اند، مرسل دانسته و سند صحیح را «سعد و عبدالله بن جعفر جمعاً» می داند. احتمال دیگر این که، سند صحیح

۱. الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۲۸۶؛ اسانید کتاب الکافی، ج ۸، ص ۹۰؛ الموسوعة الرجالية، ج ۴، ص ۱۰۰.

۲. این آمار با استفاده از جست و جوی نرم افزار «درایة النور» استخراج شده است.

۳. آیت الله شبیری زنجانی در تعلیقه خود بر *الکافی* ذیل خبر مذکور بر این باور است که آنچه مناسب طبقه حسن بن جهم است این که عبدالله بن بکیر بن اعیان. در سند افتاده است.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۳۱، ح ۳.

۵. الموسوعة الرجالية، ج ۴، ص ۳۷۵؛ ج ۶، ص ۱۳۰.

۶. رک: همان، ج ۱، ص ۴۵۳؛ اسانید کتاب الکافی، ج ۸، ص ۱۶۸.

۷. الکافی، ج ۱، ص ۴۶۳، ح ۱.

۸. اسانید کتاب الکافی، ج ۸، ص ۱۵۰.

«سعد عن احمد بن محمد» باشد که در سایر سندها نیز این ترکیب آمده است.^۱ احمد بن محمد بن عیسی از مشایخ سعد بن عبدالله اشعری به شمار می‌آید و کلینی هم با واسطه مشایخ خود از او روایت کرده است؛ از این رو، در سند مذکور دو احتمال وجود دارد؛ یکی «عن احمد بن محمد» و دیگری «و عبدالله بن جعفر». اما تعبیر «جمعياً» در سند قرینه تصحیف در نام «احمد بن محمد» به جای «عبدالله بن جعفر» است.

آیت‌الله بروجردی با استناد به این دلیل، موارد متعددی^۲ را بررسی و ارسال موجود در آن‌ها را کشف کرده است.

د) هم‌نامی برخی راویان

بسیاری از راویان سند روایات، نام‌های مشترکی دارند که در سند روایات کتب اربعه و دیگر منابع حدیثی به چشم می‌خورد. اشتراک نام یک راوی موثق با راوی غیر موثق می‌تواند موجب سقوط اعتبار یک سند شود؛ لذا شناسایی، تعیین مصداق و جداسازی عنوان مشترک از یکدیگر، کاری ضروری و دشوار است که نیازمند اطلاعات گسترده رجالی خواهد بود؛ هرچند از قرن یازدهم تاکنون تلاش‌هایی از سوی رجالیان صورت پذیرفته و راه‌حل‌هایی چون انصراف، طبقات رجالی، راوی و مروی عنه مورد شناسایی قرار گرفته‌اند.^۳ آیت‌الله بروجردی اشتراک برخی راویان با راویان هم‌نامی که در طبقات دیگر قرار دارند را عامل اشتباه و موهم ارسال در سند می‌داند و در الموسوعة الرجالية به شناسایی این اسناد مرسل پرداخته است. در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود.

در سندی از کتاب الکافی چنین آمده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ
مُدْمِنُ الْخَمْرِ يَلْقَى اللَّهَ وَ...^۴

طبق نظر آیت‌الله بروجردی اگر مراد از عمرو بن عثمان در سند، عمرو بن عثمان الازدی باشد، وی از راویان طبقه ششم است و روایت او از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ مرسل است. و چنان‌که مراد عمرو بن عثمان الجهنمی باشد، او از راویان طبقه پنجم به شمار آمده و می‌تواند از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کند.^۵

۱. رک: الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۱۸۳؛ اسانید کتاب الکافی، ج ۸، ص ۱۵۱ و ۱۵۰.

۲. الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۱۸؛ اسانید کتاب الکافی، ج ۸، ص ۹ و ...

۳. شایان ذکر است، تلاش‌هایی در تمییز مشترکات در محدوده کتب اربعه از محقق اردبیلی در جامع الرواة، آیت‌الله بروجردی در الموسوعة الرجالية و آیت‌الله خوئی در معجم رجال الحدیث صورت گرفته، اما درباره دیگر کتب روایی، از جمله وسائل الشیعه کاری انجام نگرفته است.

۴. الکافی، ج ۶، ص ۴۰۴، ح ۴.

۵. الموسوعة الرجالية، ج ۱، ص ۲۰۳.



با توجه به آنچه گذشت، آیت الله بروجردی در شناسایی افتادگی راه یافته در برخی اسانید روایات، به تبیین چرایی ارسال پرداخته که می تواند بیان گرمستندات ایشان در تصحیح سقط در سند باشد؛ هرچند در اغلب موارد بدون تبیین دلیل ارسال، تنها به نابسامانی در سند اشاره کرده است که کشف علت به دقت و تتبع بیشتری نیاز دارد.

نتیجه گیری

آیت الله بروجردی در الموسوعة الرجالیة، به ویژه ترتیب اسانید کتاب الکافی و تهذیب الأحکام، به تصحیح آسیب های وارده به اسناد روایات پرداخته است. تأکید این نوشتار بر آسیب ارسال در اسناد بوده و براین باور است که در ۸۸۰ سند روایات دو کتاب الکافی و تهذیب الأحکام (حدوداً)، ارسال رخ داده است.^۱ در این مقاله، رویکرد رجالی آیت الله بروجردی در روش کشف و تصحیح ارسال در سند روایات، مورد تحلیل قرار گرفته است. ایشان بیشتر با دو شیوه «شناخت طبقات راویان» و «بهره گیری از مقایسه روایت با دیگر اسناد همگون» به شناسایی و تصحیح افتادگی راه یافته در سند پرداختند. هم چنین در ضمن شناسایی این اسناد، به دلایل ارسال اسناد اشاره کرده اند که در نتیجه بررسی ها، چهار دلیل: اشتباه نسخه برداران، قلب در اسامی راویان، تصحیف در نام راوی و همانندی نام راویان یافت شد.

مركز تحقيقات کامپوز علوم اسلامی



۱. این آمار با شمارش از تعلیقات ایشان از دو کتاب ترتیب اسانید الکافی و ترتیب اسانید تهذیب الأحکام استخراج شده است.

کتاب نامه

- آثار الحجّة، محمد رازی، قم: بی نا، ۱۳۳۲ ش.
- اختیار معرفة الرجال، معروف به رجال الکثی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: محمدتقی فاضل میبدی و موسویان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- اسانید کتاب الکافی، حاج آقا حسین بروجردی طباطبائی، تخریج و استدراک: محمود دریاب نجفی، قم: مؤسسه آیت الله العظمی بروجردی، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- اصول الحدیث، عبدالهادی فضلّی، بیروت: مؤسسه أم القرى، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق.
- البدر الزاهر فی صلوة الجمعة والمسافر، حاج آقا حسین بروجردی طباطبائی، تقریر: حسینعلی منتظری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
- التاریخ الکبیر، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بخاری، دیاربکر: مکتبه الإسلامیة، بی تا.
- تجرید اسانید الکافی، حاج آقا حسین طباطبائی، مستنسخ: حاج مهدی صادقی، قم: چاپ اول، بی تا.
- تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، جلال الدین سیوطی، تحقیق: ابوقتیبه نظر محمد فارابی، بیروت: دار الکلم الطیب، چاپ سوم، ۱۴۱۷ ق.
- التوحید، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.
- تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.
- تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، یوسف مزی، تحقیق: بشار عواد معروف، مؤسسه الرساله، چاپ چهارم، ۱۴۰۶ ق.
- جامع الرواة، محمد علی اردبیلی، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، قم: مکتبه آیت الله مرعشی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
- الجامع فی الرجال، موسی زنجانی، قم: چاپخانه پیروز، چاپ اول، ۱۳۹۴ ق.
- دانشنامه جهان اسلام، (مقاله) حسن فقیه عبداللهی، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
- درایة الحدیث، بازپژوهی مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین، شادی نفیسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- رجال البرقی، أحمد بن محمد بن خالد برقی، تحقیق: محمد جواد قیومی، قم: اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
- رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: محمد جواد قیومی، قم: نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
- رجال النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی نجاشی، تحقیق: موسی زنجانی، قم: نشر اسلامی، چاپ ششم، ۱۴۱۸ ق.
- الرسائل الرجالیة، محمد بن محمد ابراهیم کلباسی، تحقیق: محمد حسین درایتی، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق.
- الرعاية فی علم الدراییة و البدایة فی علم الدراییة، زین الدین بن علی عاملی (شهید ثانی)، تحقیق: مرکز اباحت و دراسات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- الرسائل الرجالیة، ابوالمعالی محمد بن محمد کلباسی، تحقیق: محمد حسین درایتی، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- روضة المتقین، محمدتقی مجلسی، قم: بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمد حسین کوشانیور، بی تا.



- زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت الله بروجردی، علی دوانی، تهران: بی نا، ۱۳۷۱.
- الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۸ق.
- علل الحدیث، محمدباقر بهبودی، تهران: سنا، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- علوم الحدیث و مصطلحه، صبحی صالح، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ هجدهم، ۱۹۹۱.
- الغیبة، محمد بن حسن طوسی، قم: مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: محمدصادق بحرالعلوم، نجف اشرف: مکتبه المرتضویه، بی تا.
- قاموس الرجال، محمدتقی تستری، قم: اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
- لسان العرب، محمد بن مکرم، قم: آدب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
- مستدرکات علم رجال الحدیث، علی نمازی شاهرودی، تهران: شفق، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- معجم رجال الحدیث، ابوالقاسم خویی، قم: مدینه العلم، چاپ سوم، ۱۴۱۰ق.
- مقباس الهدایه فی علم الدرایه، عبدالله مامقانی، تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- مکتب اجتهادی آیه الله بروجردی، زهرا اخوان صراف، قم: بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: نشر اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۳ق.
- المنهج الرجالی و العمل الرائد فی الموسوعه الرجالیه، محمدرضا حسینی جلالی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- الموسوعه الرجالیه، سیدحسین طباطبائی بروجردی، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- وسائل الشیعه، محمد بن حسن حرعاملی، تحقیق: آل البيت علیه السلام، قم: آل البيت علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- وفيات الأعیان و انباء الزمان، ابن خلکان، تحقیق: إحسان عباس، بیروت: دارالثقافه، بی تا.
- الوافی، ملامحسن فیض کاشانی، اصفهان: مکتب امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- النکت علی کتاب ابن الصلاح، ابن حجر عسقلانی، تحقیق و تعلیق: مسعود عبدالحمید سعدنی و محمد فارس، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- نهاییه التقریر فی مباحث الصلاه، آقا حسین بروجردی، تقریر: فاضل لنکرانی، تحقیق و نشر: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.

